

خبر

سفر وزیر دفاع به روسیه

● **ایلنا:** امیر سرتیپ امیر حاتمی، وزیر دفاع که به روسیه سفر کرده است، در بدو ورود به مسکو گفت: معتقدیم نسخه‌های امنیتی منطقه باید درون منطقه پیچیده شود و نسخه‌هایی که بیرون منطقه پیچیده می‌شود، به علت عدم شناخت بحران‌ها و تطبیق‌نداشتن منافع بازیگران خارجی با منافع ملت‌های منطقه، غیرواقع‌بینانه، غیرقابل‌تحقق و غیرقابل‌پذیرش است. وزیر دفاع با اشاره به سفرش به روسیه نیز گفت: در این سفر در دیدار با مقامات روسیه، همکاری‌های دوجانبه نظامی و همین‌طور همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را که شرایط خوبی در آنها داریم، بررسی و پیگیری می‌کنیم. حاتمی ادامه داد: امروز توانسته‌ایم به بی‌اعتمادی گذشته غلبه کنیم و روابط دوجانبه از شرایط خوبی برخوردار است که امیدواریم دیدارهای اخیر شتاب آن را بالا ببرد.

ماجرای رد صلاحیت خلخال‌ی و موسوی تبریزی

● **خبرآنلاین:** مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در خاطراتش از سیزدهم فروردین سال ۶۳ از ماجرای رد صلاحیت صادق خلخال‌ی و حسین موسوی‌تبریزی نوشته است.

هاشمی‌رفسنجانی که در آن تاریخ ریاست مجلس شورای اسلامی را بر عهده داشته است، در خاطراتش می‌نویسد: تمام امروز را در منزل ماندم، بیش‌تر به مطالعه پرداختم. آقای غرضی [وزیر نفت] آمد. از بدحسابی سوری‌ها و ندادن پول نفت ناراحت بود. پیشنهاد داشت با لایحه دولت و تصویب مجلس، برای دادن مهلت و حفظ طلب، تبدیل به وام شود. از وضع فروش و کشش بازار نفت راضی است.

با [اسم] محسن در بلژیک، تلفنی احوال‌پرسی کردم. می‌گفت شایعه سقوطصد به جان من پخش شده است؛ ناراحت بود. گفتم دروغ است. منشأ آن یک مجله عربی مخالف ما است. منابع خارجی از جاشدن بنی‌صدر از شـورای [ملی] مقاومت خبر داده‌اند؛ پیش‌بینی می‌شد. شب، آقای امامی‌کاشانی [از فقهای شورای نگهبان] تلفن کرد. اطلاع داد که شورای نگهبان، صلاحیت آقایان [صادق خلخال‌ی و [سیدحسین] موسوی‌تبریزی را ـ که نامزد نمایندگی مجلس و خیرکان هستند ـ رد کرده است. از من خواست به آنها بگویم استعفا بدهند؛ نپذیرفتم. از این کار به آسانی نخواهد گذشت. شورای نگهبان را من مهم‌ترین‌کرد که تحت تأثیر جامعه مدرسین عمل کرده است. اردصلاحیت‌شدگان! توسل به امام و آقای منتظری و دیگران هم خواهند کرد.

از جبهه خبر گرفتیم. دشمن، آب فراوانی در نقاط حال بین [نیروهای] ما و خود در جزیره مجنون و منطقه طلائیه انداخته است؛ می‌ترسد. کار پیشرفت ما را هم دشوار خواهد کرد.

مهلت اعتراض خاوری به پایان رسید

● **میزان:** غلامحسین اسماعیلی، رئیس کل دادگستری استان تهران، با اشاره به پرونده محمودرضا خاوری، مدیرعامل سابق بانک ملی، گفت: حکم این پرونده قبلا صادر شده و مهلت اعتراض هم به پایان رسیده است. او افزود: با توجه به اینکه خاوری خارج از کشور است، اعتراضی نسبت به واخواهی این حکم واصل نشده و در این مرحله پرونده برای اقدامات اجرا به دادسرا ارسال شده است. به گفته رئیس کل دادگستری استان تهران، یکی از پرونده‌هایی که در روزهای پایانی سال منجر به صدور رای شد، پرونده عامل شهادت مأموران نیروی انتظامی در خیابان پاسداران بود که آخرین جلسه دادگاه بر اساس تعیین وقت انجام‌شده، برگزار شد. اسماعیلی افزود: حکم محکومیت راننده اتوبوسی که باعث شهادت سه نفر از مأموران نیروی انتظامی شده بود، از سوی دادگاه کیفری یک تهران صادر و به صورت ویژه ابلاغ شد. او تصریح کرد: در صورت اعتراض، پرونده به دیوان‌عالی کشور ارسال خواهد شد.

تماس تلفنی وزیر امور خارجه با نیچروان بارزانی

● **ايرنا:** محمدجواد طریف، وزیر خارجه، در گفت‌وگوی تلفنی با نیچروان بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق، درگذشت برادر او را تسلیت گفت.
دلبووان بارزانی، برادر نیچروان بارزانی، نخست‌وزیر کردستان عراق، روز گذشته در ۵۱سالگی بر اثر سکته قلبی در ارپل درگذشت. او دستیار نیچروان بارزانی در امور اجتماعی بود.

۱۹ فروردین؛ اولین جلسه علنی مجلس در سال ۹۷

● **ایسنا:** سخنگوی هیئت‌رئیس‌ه مجلس شورای اسلامی از برگزاری اولین جلسه علنی مجلس در نوزدهم فروردین خبر داد. به‌روز نعمتی گفت: مجلس یکشنبه آینده نوزدهم فروردین جلسه علنی خواهد داشت و دستور کار آن نیز امروز تعیین می‌شود. به گفته او نمایندگان تا پایان این هفته سرکنشی به حوزه‌های انتخابیه را خواهند داد.

politics@sharghdaily.ir

ادامه از صفحه ۶

یا نه، اگر مدرنیت‌ای داشته باشیم، مدرنیت ما با انسان غربی متفاوت است و بنابراین روشنفکری که در دامنش متولد می‌شود، باید متفاوت باشد و در اینجااست که ما دچار سطحی‌نگری و ساده‌باوری شدیم و فرضمان این بوده است که ما می‌توانیم روشنفکر را همان‌گونه که در جامعه غربی و در بستر مدرنیت متولد شد را وارد کنیم و مابازای آن را در جامعه ایرانی داشته باشیم، کسانی که سعی کردند چنین نقشی را ایفا کنند چندان موفق نبوده‌اند.

● **در جامعه ایرانی روشنفکران و جامعه روحانیت هر دو به دنبال هدایت و راهبری اجتماعی بوده‌اند.** مناسبت این دو در شکل‌گیری طرد اجتماعی روشنفکران چگونه بوده است؟

نظر شخصی من این است که ضرورتا و لزوما میان روحانی و روشنفکر تمایزی وجود ندارد. شاید براساس آموزه‌های مدرنی که در پس و پشت نگاه‌های ما نشسته بود، تفکیک و تمایزی میان روشنفکر و روحانی قائل شدیم و دو فاکشن متفاوت بین این دالات نهادیم. استدلال ما این بود که عرصه کنشگری روشنفکر، سکولار است و دین و آموزه‌های دینی را به قشر دیگری یعنی روحانیت واگذار کرد. پس دوانگاری روشنفکر و روحانی در جامعه ما شکل می‌گیرد و سؤالاتی پیش می‌آید که: کدام‌یک می‌تواند با توده‌های مردم ارتباط برقرار کند و کدام‌یک می‌تواند تزریق آگاهی کند؟ کدام آگاهی تخطیرکننده است و کدام آگاهی راه‌یی بخش است؟ کدام آگاهی جامعه را ره به جامعه‌ای برین می‌برد و کدام آگاهی رو به سوی انجماد و تصلب دارد؟ در اینجا بود که بالاخره این دو در مقابل یکدیگر ایستادند و باهم یکی نشدند، بلکه در حذب یکدیگر کوشیدند و هرکس تلاش کرد به‌عنوان بازیگر اصلی صحنه آگاهی و معرفت در جامعه ما نقش آفرینی کند. به اعتقاد بنده، دوانگاری میان روحانیت و روشنفکر به صورت طبیعی بساط نوعی طرد را گسترانید؛ طرد روشنفکر توسط روحانیت و طرد روحانیت توسط روشنفکر. این نوع رابطه اتناکونیست باعث به‌تدوین افرادن آگاهی و مسبب ایجاد گنگی، گیجی و ابهام در فضای آگاهی، اجتماعی و سیاسی در جامعه ما شد و هم‌اکنون به شکلی ادامه دارد.

● **چرا روشنفکران نتوانسته‌اند فهم و بیش سیاسی را به امر سیاسی تبدیل کنند؟ بخش دوم سوال این است که چرا نتوانسته‌اند تکلیف خود را با جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند روشن کنند و تأثیر چندانی به قلمرو همگانی بگذارند و هر آنچه کرده چندان دلپسند نیست؟**

به قول شفیعی‌کدکنی روشنفکر ما همواره آنچه می‌دیده است، نمی‌خواسته و آنچه را می‌خواسته نمی‌دیده است. هیچ‌گاه تمایلی نداشته که با توده‌های مردم رابطه تنگاتنگی برقرار کند؛ نه استعدادش را داشته است و نه امکانش را. هویتش را در فاصله با توده‌های مردم تعریف می‌کرده است؛ از این نظر طبیعی است که نتوانسته چیزی را که به‌عنوان اندیشه سیاسی در ذهن می‌پرورانده به یک کنش و امر سیاسی تبدیل کند و چون به‌هرحال هر آنچه به‌عنوان آموزه و امر سیاسی در ذهن داشته است، برآمده از نوعی پراتیک و واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی نبوده است؛ بلکه برآمده از آموزه‌های اندیشمندان صاحب مکتب و نظریه‌ای بوده که در این زمینه قلم زده‌اند. روشنفکر ایرانی تلاش می‌کرده آن نظریه را از رهگذر ترجمه، ایرانی کند و بر روی جامعه آبیاری کند و جامعه را به رنگ آن دریاورد؛ مثال زیبایی در این مورد است؛ می‌گویند: فردی در حال نقاشی از معشوق خودش بوده. گفتند چه کاری می‌کنی؟ گفت از معشوقم نقاشی می‌کشم. گفتند پس تلاش می‌کنی نقاشی تو شبیه معشوقه‌ات باشد؟ گفت نه. تلاش می‌کنم معشوقم شبیه نقاشی‌ام باشد. روشنفکر ما از ورای چارچوب نظری دیگران تلاش می‌کرد جامعه شبیه چارچوب نظری‌اش باشد، نه چارچوب نظری‌اش شبیه جامعه. این مشکل جدی هم‌اکنون نیز وجود دارد. روشنفکران اکنون ما و آنهایی که مشرب مارکسیستی دارند، عمدتا آموزه‌های آلن بدیو، لاکلا، لیوتار، رانسیر و آکامری را در جامعه آبیای می‌کنند؛ کسانی هم که آموزه‌های لیبرالیستی دارند، افکار کسانی مانند رالز را منتشر می‌کنند. اینان در تلاش‌اند جامعه را به شکل نقاشی خود درآورند، نه اینکه چارچوب نظری آنان شکل جامعه را بگیرد؛ معتقد نیستم

سیاست

حکایت طردشدگان



عکس: رونق‌ه رستمی، شوق

این دو صحیح است و بخوایم نقاشی را شبیه جامعه و جامعه را شبیه نقاشی درآوریم؛ باید رابطه‌ای دیالکتیکی و دیالوگی میان این دو برقرار کنیم که هم متن و نظریه روشنفکری ما از متفاوت بین این دوالات دادیم. استدلال ما این بود چارچوب‌های نظری؛ یکی نباید تابع دیگری باشد. تجربه ۱۵۰ سال ما نشان می‌دهد جریان اصلی روشنفکری سنگ یک نظریه را به دوش می‌کشیده است و یک قباب و قالب نظری را با خود حمل می‌کرده و آن را بر جامعه می‌گذاشته است و تلاش می‌کرده جامعه درون قایش قرار گیرد؛ آنچه بیرون قرار می‌گرفته را نمی‌پذیرفته و در نقاشی‌اش جایی نداشته است. این فضا باید مرتفع شود و به سمتی برویم که در نسل آتی روشنفکران، با کسانی مواجه باشیم که از عرش به فرش آیند و بتوانند دنیای انتزاعی خودشان را با دنیای انضمامی مردم آشنی دهند و رابطهای

دیالکتیکی برقرار کنند و با هم به گفت‌وگو بنشینند و بر هم تأثیر بگذارند؛ با ازدواج مبارک میان عالم انتزاعی و عالم انضمامی، فرزند متولد شود که هر دو چهره را داشته باشد.

● **بر طبق سخنان محمادمین قانع‌ی‌راد یا پدیده روشنفکران غایب مواجه هستیم.**

● **کنش سیاسی -اجتماعی سلبی‌تی‌ها در غیاب روشنفکران چه عواقبی را بر جامعه در پی دارد؟**

علل انفعال و غیاب روشنفکر نمی‌تواند به یک عامل تقلیل پیدا کند. از نگاه بنده، یکی از خمیصه‌های روشنفکر این است که وقتی درها را بسته و قفل کرده‌اند، راه برون‌رفتی را پیدا کند و بتواند در شرایط سخت ایده‌هایش را به کنش تبدیل کند. اگر شرایط و محیط مساعد باشد، دیگر به قشر روشنفکر احتیاجی نیست. در جامعه ما روشنفکر باید از ظرفت روحی و احساسی خود کم کند و وارد عرصه‌های انضمامی و زمخت جامعه شود و در آن نقش آفرینی جدی داشته باشد.

عواملی مانند قدرت سیاسی نمی‌تواند بیان‌کننده این وضعیت باشد؛ هرچند مؤثر است؛ اما اگر چنین هم باشد، پذیرای آن نیستم. به بخش دوم سؤال بپردازیم؛ کنش سیاسی - اجتماعی سلبی‌تری در غیاب روشنفکران چه عواقبی را به دنبال دارد؟

● **واژه سلبی‌تی کاربرد وسیعی دارد. تعریف خاصی از آن دارید؟**

آن را چنین تعریف می‌کنم: سلبی‌تی‌ها کسانی هستند که در فضای فرهنگی و اجتماعی ما حضور دارند و به تولید کالاهای بی‌کیفیت و سطح پایین فرهنگی می‌پردازند و به بدنه اجتماعی برای لذت‌های زودگذر تزریق می‌کنند؛ یعنی از یک‌سو تولیدکننده کالاهای فرهنگی‌اند و از سویی شهروند و در بین توده‌های مردم نفوذ دارند؛ حال می‌تواند شامل شاعران، بازیگران، خوانندگان و دیگر هنرمندان باشد. بله، اگر این چنین سلبی‌تی‌ها را تعریف می‌کنید، باید بدازیم تغییرات اجتماعی ژرف، مبتنی بر اندیشه‌های ژرف، پویا و ماناست؛ شاید به صورت لحظه‌ای چیزی را به بدنه اجتماعی منتقل کنیم و از آن لذت ببریم، اما قادر است ما را از واقعیت‌ها دور و تأخیری تاریخی و اشباع ذهنی ایجاد کند که انسان‌ها به این لذت‌های زودگذر قانع شوند و از تغییرات

آن روشنفکر معنا پیدا نمی‌کند. اینکه چه رابطه‌ای را بین این دو فرض می‌کنیم، جای صحبت‌های مهمی خواهد داشت.

● **بنابر همین گفته: لیوتار در کتاب مقبره روشنفکر و فوکو نیز به صورتی دیگر معتقدند که: روشنفکران باید در متن و بطن جامعه و در کنار مردم زیست کنند، در کنار آنان تجربه و اشتباه کنند و نقش رهبری و آوانگاردی را کنار بگذارند.** به سؤال بعدی خواهیم پرداخت.

● **آیا روشنفکران ایرانی از دنیای دگرگون‌یافته امروزی عقب مانده‌اند؟ در صورت بلی، چرا نمی‌توانند تحولات جدید را درک کنند؟**

به اعتقاد من فضای فکری و روشنفکری ما

همیشه تأخیر تاریخی نسبت به اندیشه‌هایی که

نو می‌شوند، داشته است. ولی مشکل در این امر

نهفته نیست.

آن چنان که گفتم حتی روشنفکر ایرانی نیز نسبت به تحولات نظری و عملی جامعه خود تأخیر تاریخی هم دارد و این مسئله‌ساز است. نمی‌بایست پژواک صدای دیگران و انسان اندیشه‌وز غربی باشیم و هنگامی که تن صدایش تغییر کرد، ما هم به تبع آن زانمان را تغییر بدهیم؛ با این توجیه که امر جدیدی به بازار آمده و در ویت‌رین‌ها قرار گرفته است. باید تلاش کنیم بین امر قدیم و جدید، بین امر بومی و غیرومی و بین آنها جغرافیای خاصی ترسیم کنیم. به میراث کهن و تمدنی خود چشم داشته باشیم و آنچه خود داریم از دیگران طلب نکنیم و با اندیشه و اندیشه‌ورزی جهان خودمان آشنا باشیم، اما در نهایت روشنفکر کجا متولد می‌شود؟ روشنفکر دقیقا در تقاطع میان میراث تمدنی و فرهنگ خودی و میراث تمام بشری متولد می‌شود. روشنفکر کسی است که می‌تواند میان اینها تلفیق سازواره و جغرافیایی مشترکی ایجاد کند که پینه‌ای و بخیه‌دوزی نباشد و هویت یکپارچهای میان میراث فرهنگی و فکری خودش و میراث فکری و معرفتی و جهان خودش برقرار کند و آن را کنار یکدیگر بگذارد و منظومه سازواره معنایی را ارائه دهد تا بتواند به‌مثابه پرکسیس در جامعه خودش نقش آفرینی کند و نه‌تنها یک چارچوب نظری برای تفسیر باشد، بلکه به تعبیر مارکس یک چارچوب نظری برای تغییر باشد و به‌مثابه استراتژی هم نقش آفرینی کند؛ بنابراین بنده اگر یک بستر برای تولد روشنفکری قائل باشم آن بستر، تقاطع میان میراث فکری، فرهنگی و معرفتی جامعه ایرانی و جامعه جهانی است؛ آنجاست که روشنفکر می‌تواند متولد شود و نه در بستر اندیشه‌های غیر و نه در یک بومی‌گرایی مفرط ارتدکسی.

● **چه باید کرد؟ چه کنیم که روشنفکر ایرانی از قهر تاریخی و از گره‌های تئوریک خودش بیرون بیاید و در حوزه عمومی شاهد حضور و نقش آفرینی او باشیم؟**

این سؤال را باید درون جریان روشنفکری و در زیست جهان روشنفکری پرتاب کنیم. در فضای روشنفکری نیازمند پرسش‌های جدی انتقادی هستیم، پرسش‌هایی از جنس هستی‌شناسی؛ به تعبیر فوکو نیازمند نوعی امتناع و تخطی از خود هستیم.

● **نخست جریان روشنفکری تخطی و امتناع از خودش را بیاموزد؛ در این صورت به‌مثابه سوژه متولد می‌شود و می‌تواند جامعه را نقد کند؛ ذات نایافته از هستی بخش/ کی تواند که شود هستی بخش.**

جامعه روشنفکری نیازمند محاسبه نفس دقیق نسبت به خود است تا ببیند در کجای حوادث تاریخی این جامعه قرار دارد و بالاخره در فرایند آگاهی‌بخشی جامعه چگونه نقش آفرینی می‌کند و رابطه‌اش با توده‌ها چگونه است؟ آیا در شرایط کنونی دچار سکترایسم و جدایی از توده‌ها شده است؟ دچار انفعال و خوددگی شده است؟

آیا روشنفکری که قدرت سیاسی را نقد می‌کند از همان طلب حیات و جغرافیای بازیگری می‌کند؟ چون اگر این چنین باشد، پارادوکسی وجود دارد؛ زیرا روشنفکر همیشه هویت خود را بر قدرت تعریف کرده است، نه در قدرت؛ بنابراین چگونه است که روشنفکر طلب می‌کند شرایط کنشگری برایش فراهم آید و اگر چنین کند به انفعال کشیده می‌شود. او این شرایط را پذیرفته است، شرایطی که راه نامحوار و زیرش دام‌ها. پس روشنفکر باید تأملی نقادانه نسبت به خودش داشته باشد و آن را بر جامعه، تاریخ و اندیشه‌اش جاری کند و راه برون‌رفتی را بیابد تا پنجره‌ای بگشاید.

ادامه از صفحه ۲

روحانی، پوتین و اردوغان دور یک میز

روحانی: آمریکایی‌ها در فکر تجزیه سوریه هستند
رئیس‌جمهوری دیروز پیش از عزیمت به ترکیه گفت: در سفر به ترکیه درباره مسائل اخیر سوریه مذاکره می‌کنیم. آمریکا و رژیم صهیونیستی تلاش می‌کنند مانع از تثبیت حاکمیت ملی در سوریه شوند و حتی به دنبال تجزیه این کشورند.
او افزود: مردم سوریه شرایط مناسبی ندارند و کمک‌های انسانی و بشردوستانه باید به همه مردم رسانده شود. نیروهای خارجی نسبت به آینده سوریه نباید مداخله کنند. حضور نیروهای خارجی بدون اجازه دولت سوریه، غیرقانونی و غیرمنطقی است و باید خاتمه داده شود.

ادامه از صفحه اول

انتظار کرده‌ا از رئیس‌جمهوری در سفر آنکارا

دولت آنکارا اعلام کرده است: برای ایالت عفرین حاکم ترکمان تعیین می‌کند و ترکمانان مناطق مختلف سوریه و عراق را به این مناطق اشغال‌شده انتقال می‌دهد. در چنین شرایطی کردهای ایران از ماکو تا ایلام و از کرمانشاه تا شمال خراسان و کردهای مقیم مناطق مختلف ایران با هر آیینی که دارند، با توجه به پیوستگی‌های نژادی و فرهنگی و مهم‌تر از همه از لحاظ انسانی از رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه کشور خود انتظار دارند که در کنفرانس آنکارا و مذاکره با سران روسیه و ترکیه هم اشغال خاک سوریه توسط ترکیه را محکوم کنند و هم از کشورهای اشغالگر خاک سوریه درخواست شود به اشغالگری پایان دهند.

این خواسته برحق کردها و همه ایرانیان زاده است که منطق با موازین حقوق بین‌الملل نیز هست. اردوغان دنبال احیای خلافت عثمانی است و متحد پایدار هیچ کشوری نبوده است.

ادامه از صفحه ۲

حل حصر به نفع کشور است

او در ادامه خطاب به روحانی نوشت: «امیدوارم جناب‌عالی با تکیه بر اختیارات قانونی خود و با احساس مسئولیت مضاعف در این زمینه، اقدام به برگزاری جلسه فوق‌العاده شورای‌عالی امنیت ملی کنید و با اتخاذ تصمیم مناسب برای رفع حصر و از میان‌برداشتن محدودیت‌های حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمد خاتمی، برای تحقق مطالبات بخش بزرگی از مردم وارد عمل شوید و گره از کار فرومانده نظام در امر عرصه باز کنید تا زمینه هم‌گرایی بیشتر میان نیروهای انقلاب و مسئولان نظام با مردم فراهم شود».

یک فرصت بزرگ برای مملکت

پزشکیان همچنین در مورد محدودیت‌های خاتمی هم گفته که «خاتمی‌کی فرصت بزرگ برای مملکت است که ما می‌توانیم او را تبدیل به تهدید کنیم.

متأسفانه خیلی‌وقت‌ها فرصت‌ها را به تهدید تبدیل می‌کنیم، ما باید از تهدیدها فرصت خلق کنیم، نه‌اینکه فرصت را تبدیل به تهدید کنیم، مردم است که چرا برخورداری متفاوتی نسبت‌به این برای جامعه و نسل آینده خوب نیست، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران هم باید با تمام وجود این هوشیاری را داشته باشند». او به تفاوت برخورد با خاتمی و احمدی‌نژاد هم اشاره کرد و افزود: «یکی از مواردی که انسجام جامعه را زیر سؤال می‌برد، وجود همین سؤالات در ذهن مردم است که چرا برخورداری متفاوتی نسبت‌به خاتمی و احمدی‌نژاد وجود دارد، مردم می‌بینند که ما چه‌کار می‌کنیم و چطور برخورد می‌کنیم، آنها سؤالاتی مستقل از تحلیل ما دارند. در فضای مجازی خیلی حرف‌ها گفته می‌شود و در انتخابات پیام‌های روشنی به جامعه داده می‌شود که اگر برای آن راه‌حل نداشته باشیم جامعه را از خود دور می‌کنیم».

کدام برج از ۱۳۹۷؟

پیش از این هم برخی اظهارات از پایان حصر تا نوروز ۹۷ حکایت می‌کرد که نوروز هم آمد و رفت ولی این اتفاق رخ نداد؛ یکی از افرادی که به استاد قول‌های مطرح‌شده در جلساتشان از رفع حصر تا نوروز ۹۷ صحبت کرد «علی مطهری»، دیگر نایب رئیس مجلس، بود؛ اما او در روزهای پایانی سال ۹۶ به «ایلنا» گفته بود: «به ما قول‌هایی دادند و گفته‌اند زیاد در رسانه‌ها اظهارنظر نکنیم و در مقابل، آنها به‌دنبال این هستند که تا پایان سال به این موضوع خاتمه بدهند. ما هم منتظریم ببینیم که آیا آنها به قولشان عمل می‌کنند یا نه... این قول در مذاکرات و ملاقات‌ها مطرح‌شده و مسئولان امنیتی و قضائی هم آن را گفته‌اند که ما منتظر اقدامات آنها هستیم... به ما قول داده بودند که تا پیش از پایان سال و فرارسیدن تعطیلات نوروز مشکل حصر مرتفع شود و طبیعتا اگر عمل نکنند، درواقع خلف وعده کرده‌اند». اما پس از آخرین جلسه هیئت دولت در سال ۹۶ که یکشنبه ۲۷ اسفند برگزار شد، نسبت به حل مسئله حصر در سال ۹۷ ابراز امیدواری کرد و عملا پرونده رفع حصر در سال ۹۶ را بست. او البته از دستورات مهمی در این مسئله صحبت کرد و گفت: «در مسئله حصر دستورهای مهمی صادر شده و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی نیز در حال پیگیری است و ما هم باید به این تصمیم‌گیری‌ها کمک کنیم. در این زمینه برخی تصور می‌کردند که تا پایان سال جاری تصمیم‌گیری در این موضوع انجام خواهد شد. نسبت به حل مسئله حصر خوش‌بین هستیم و به نظرم این مسئله قابل‌تدبیر است و ان‌شاء‌الله برای سال آینده این اتفاق رخ خواهد داد». حالا ۱۵ روز از سال آینده‌ای که جهانگیری نسبت‌به رفع حصر در آن ابراز امیدواری کرده است، می‌گذرد؛ باید منتظر ماند و دید منظور از سال آینده در صحبت‌های پارسل جهانگیری کدام برج از ۱۳۹۷ است.